

## مطالعه رابطه فردگرایی و برابری جنسیتی با ارزش ازدواج (مورد مطالعه: دختران ازدواج نکرده ۲۰ تا ۳۴ ساله شهر تهران)

مرجان رشوند سرخکوله (استادیار گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، نویسنده  
مسئول)

[m.rashvand@atu.ac.ir](mailto:m.rashvand@atu.ac.ir)

فاطمه وجدانی (استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهید بهشتی)

[f\\_vojdani@sbu.ac.ir](mailto:f_vojdani@sbu.ac.ir)

### چکیده

تغییر در ارزش‌ها و نگرش‌های افراد می‌تواند تغییرات رفتاری را در پی داشته باشد. به همین نسبت، تغییر در ارزش ازدواج نیز می‌تواند باعث تاخیر ازدواج و در نهایت ازدواج‌گریزی شود. هدف مقاله حاضر، بررسی سهم فردگرایی و برابری جنسیتی بر ارزش ازدواج دختران هنوز ازدواج نکرده ۲۰-۳۴ ساله شهر تهران است. داده‌های مطالعه حاصل پیمایشی است که در پاییز ۱۳۹۷ با استفاده پرسشنامه ساخت‌یافته از ۶۰۰ دختر هنوز ازدواج نکرده نمونه جمع‌آوری گردید. یافته‌های مطالعه حاکی از تاثیر معنادار فردگرایی و برابری جنسیتی بر ارزش ازدواج دختران است. جهت این رابطه معکوس بود به گونه‌ای که با افزایش فردگرایی و برابری جنسیتی شاهد این هستیم که دختران ارزش کم‌تری برای ازدواج قائل هستند. علاوه بر این رابطه بین ویژگی‌های فردی پاسخگویان و ارزش ازدواج مورد بررسی قرار گرفت. رابطه سن دختران با ارزش ازدواج مستقیم بود. متغیرهای سطح تحصیلات، میزان درآمد و استفاده از شبکه‌های اجتماعی رابطه معکوس با ارزش ازدواج داشتند. به گونه‌ای که دخترانی که تحصیلات بالاتر و میزان درآمد بالاتر داشته و از شبکه‌های اجتماعی هم‌چون تلگرام، فیس‌بوک و ... استفاده بیش‌تری داشتند، ارزش کم‌تری برای ازدواج قائل بودند و بالعکس. این یافته ضرورت مدیریت فرهنگی مناسب نسل جدید را در این زمینه مورد تاکید قرار می‌دهد؛ به گونه‌ای که ضمن احترام به خواسته‌های به حق زنان و دختران، بتوان ایشان را به سوی ازدواج درست و به موقع سوق داد.

واژگان کلیدی: ارزش ازدواج، دختران مجرد، فردگرایی، برابری جنسیتی، شهر تهران

#### ۱- مقدمه و بیان مساله

جامعه ایران در دو دهه اخیر، تحت تاثیر اثرات مدرنیته، تحولات ساختاری و فرهنگی - ارزشی بسیاری را تجربه کرده است؛ با توجه به دور نمای این تحولات نظیر رونق سطح رفاه اجتماعی، بهبود موقعیت زنان و دسترسی آنها به تحصیلات دانشگاهی، در جریان این تحولات، خانواده ایرانی هم دستخوش دگرگونی شده است (بالاخانی و ملکی، ۱۳۹۶: ۷). از جمله این تغییرات، می توان به بالا رفتن سن ازدواج و تاخیر در ازدواج اشاره کرد. بر اساس مطالعات مختلف طی سه دهه گذشته، نرخ ازدواج در سالهای اخیر در ایران روند نزولی به خود گرفته است (سازمان ثبت احوال، ۱۳۹۴: ۲۹۴). بررسی نسبت افراد هرگز ازدواج نکرده در گروههای سنی متوالی از کاهش آمار ازدواج زنان حکایت دارد. نسبت زنان هرگز ازدواج نکرده واقع در گروه سنی ۲۹-۲۵ ساله از ۹/۴ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۲۳/۵ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است که این امر، مجرد بودن تقریباً یک زن از هر چهار زن ۲۹-۲۵ ساله را نشان می دهد.

در تبیین تغییراتی هم چون به تاخیر انداختن ازدواج به عوامل مختلف اجتماعی و اقتصادی اشاره شده است (موحد و همکاران ۱۳۸۶؛ خلج آبادی فراهانی و مهریار ۱۳۸۹؛ ضرابی و مصطفوی ۱۳۹۰؛ حبیب پور و غفاری ۱۳۹۰؛ زارع شاه آبادی و سلیمانی ۱۳۹۱). اما به نظر می رسد یکی از عواملی که کم تر بدان پرداخته شده، تحولات ارزشی و نگرشی است که در حیطه ی خانواده و ازدواج حادث شده است.

کمرنگ شدن ازدواج، به ویژه در میان دختران مجرد، مشکلات زیادی برای آنها و جامعه به همراه دارد. به موازات تاخیر جوانان در امر ازدواج، به دلیل اصل وجود نیازهای زیستی، عاطفی و نیاز طبیعی به انس با جنس مخالف، اشکال نامناسبی از روابط دختر و پسر در جامعه به سرعت رو به گسترش است. روابط متعدد خارج از چارچوب ازدواج، دست کم در میان مدت و دراز مدت، سلامت جسمی، روانی و عاطفی جوانان به ویژه دختران را به

مخاطره می‌اندازد، ذائقه نسل جدید را به تنوع‌طلبی بدون تعهد تغییر می‌دهد و لذا پایداری کانون زندگی خانوادگی همین جوانان را پس از ازدواج نیز تهدید می‌کند. تضعیف بنیان خانواده، افزایش آمار طلاق و فرزندان طلاق، خانواده‌های تک‌سرپرست و نظایر این‌ها خود نقطه شروعی برای بسیاری از مسائل فرهنگی اجتماعی خواهد بود. گذشته از این‌که تاخیر جوانان در ازدواج و گسترش روابط خارج از چارچوب ازدواج، سلامت اخلاقی - معنوی جوانان را نیز به عنوان مهم‌ترین و پاک‌ترین سرمایه‌های انسانی کشور تضعیف می‌کند. لذا پرداختن به این پدیده و شناسایی عوامل آن، به دلایل گوناگون مهم به نظر می‌رسد.

مطالعه ازدواج‌گریزی دختران به لحاظ پیامدهای جمعیت‌شناختی نیز امر مهمی است. چرا که کارکرد اساسی خانواده یعنی تداوم نسل انسان، بوسیله ازدواج تامین می‌گردد و با توجه به وجود مجازات برای رفتارهایی نظیر هم‌خانگی و فرزندآوری پیش از ازدواج یا بدون ازدواج، افزایش باروری فقط در حیطه خانواده اتفاق می‌افتد و لذا هرگونه اختلال در امر ازدواج می‌تواند منجر به کاهش باروری گردد. طبیعی است که کاهش جمعیت نیز به نوبه خود، مسائل کلان‌تر اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی را به دنبال خواهد داشت.

براساس آمار سازمان ثبت احوال کشور و آخرین سرشماری‌های پایگاه اطلاعات جمعیتی کشور، در حال حاضر ۱۱ میلیون و ۲۴۰ هزار نفر در سن متعارف ازدواج قرار دارند یا از این سن گذشته‌اند، اما هرگز ازدواج نکرده‌اند (مرکز آمار ایران ۱۳۹۵). بررسی تاخیر جوانان در ازدواج، امری ضروری به نظر می‌رسد.

به نظر می‌رسد که علاوه بر تاثیر مشکلات اقتصادی بر تاخیر جوانان در ازدواج، نگرش‌ها و ارزش‌های افراد نیز در این جهت موثر باشد. از آن‌جا که نگرش‌ها و ارزش‌های انسان، زیربنای گرایش‌ها و رفتارهای او هستند، لذا به نظر می‌رسد برای درک بهتر این پدیده، باید ارزش ازدواج را نیز در دیدگاه نسل جوان مورد توجه و بررسی قرار داد. بدین ترتیب، "ارزش ازدواج" در نزد جوانان، می‌تواند سرنخ مهمی برای دنبال کردن این مساله مهم اجتماعی باشد.

تحقیقات نشان داده‌اند که ارزش ازدواج در میان جوانان ایرانی در سال‌های اخیر رو به کاهش داشته است (رشوند، ۱۳۹۷؛ سرایی و اوجاقلو، ۱۳۹۲؛ گروسی و یاری نسب، ۱۳۹۴؛ صادقی و رضایی، ۱۳۹۸). اکنون سوال مهم این است که ارزش ازدواج، خود تحت تاثیر چه عواملی است و به چه دلایلی کاهش می‌یابد؟

در طول چند دهه اخیر، با گسترش شبکه‌های ارتباطی مجازی و به دنبال آن، نفوذ سریع و وسیع مدرنیته به ویژه در میان نسل جوان بوده‌ایم. بدین ترتیب، تغییراتی که جوامع مدرن در ارتباط با ازدواج و نهاد خانواده با آن مواجه بوده‌اند، در میان نسل جدید ما رواج یافته است. شاید بتوان گفت که به دلیل تلاش وافر دختران در دهه اخیر برای رسیدن به تحصیلات و مدارج علمی، اشتغال و استقلال مالی و در نتیجه، کسب سرمایه اجتماعی و فرهنگی در میدان زندگی، در یک دهه اخیر شاهد تغییرات بیش‌تری در ارزش‌های خانواده و ازدواج در میان زنان هستیم (سرایی و اوجاقلو، ۱۳۹۲: ۱۹). از جمله این تغییر و تحولات، رشد فردگرایی و نیز افزایش گرایش به برابری جنسیتی تحت تاثیر جنبش‌های فمینیستی است. آمارها نشان از روند رو به افزایش فردگرایی در ایران دارند. برای مثال در تحقیق هافستد که در میان ۵۳ کشور جهان صورت گرفته است رتبه فردگرایی در ایران را ۲۴ و یا به عبارتی دیگر، کمی بیش از متوسط می‌باشد (آزاده و توکلی، ۱۳۸۶: ۱۰۳). به نظر می‌رسد که در دهه‌های اخیر دختران ما به دلیل تحصیلات دانشگاهی، رشد فکری و نیز موفقیت‌های شغلی و کسب موقعیت اقتصادی بهتر در جامعه، بیش از پیش خواهان برابری نقش‌ها، استقلال و آزادی، و شکوفایی هستند و در چنین فضایی، ممکن است ازدواج به عنوان مانعی برای رشد شخصی، استقلال، آزادی و شکوفایی تلقی شود. بهر حال این مطلب نیاز به بررسی بیش‌تر دارد.

مطالعه حاضر در شهر تهران و در راستای پاسخگویی به این سوال شکل گرفته است که: آیا فردگرایی و تمایل به برابری جنسیتی می‌تواند بر ارزش ازدواج اثرگذار باشد؟ به بیان دیگر سهم این متغیرها در ارزش ازدواج دختران مجرد چقدر است؟ هم‌چنین ویژگی‌های

فردی دختران (سن، تحصیلات، میزان درآمد و میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی) تا چه اندازه می‌تواند در ارزش ازدواج دختران موثر باشد؟

## ۲- پیشینه تحقیق

بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که مطالعات متعددی در ارتباط با سن ازدواج در کشورهای مختلف و در کشور ایران انجام شده است (اورتگرا<sup>۱</sup> ۲۰۱۲؛ ترابی و همکاران ۲۰۱۳؛ ترابی و بشیری<sup>۲</sup> ۲۰۱۰؛ ترابی و مسگرزاده ۱۳۹۵؛ ترابی و عسکری ندوشن ۱۳۹۱؛ ضرابی و مصطفوی ۱۳۹۰). اغلب مطالعات انجام شده در آسیا و جنوب شرق آسیا نیز شواهدی را مبنی بر تأیید تئوری گود<sup>۳</sup> (در حال تغییر بودن سن در اولین ازدواج) نشان داده‌اند. به عنوان نمونه مطالعه اورتگرا (۲۰۱۲) با استفاده از داده‌های ازدواج بخش جمعیت سازمان ملل (۲۰۰۸) نشان داده که به طور متوسط، نسبت به دهه ۱۹۷۰، ازدواج در جهان حدود دو سال با تأخیر صورت می‌گیرد و البته تفاوت‌هایی بین کشورهای مختلف مشاهده شده است. از جمله: تأخیر در ازدواج در کشورهای توسعه‌یافته‌تر، با سرعت بیش‌تری رخ داده است؛ علی‌رغم پایین بودن تجرد قطعی در سطح جهان، این شاخص در کشورهای توسعه‌یافته بیش‌تر است.

تحصیلات به عنوان یکی از ابعاد نوسازی می‌تواند بر زمان‌بندی ازدواج و تغییر ارزش ازدواج تأثیرگذار باشد. در بررسی سطح تحصیلات، مطالعات گسترده‌ای صورت گرفته است. اکثر مطالعات انجام شده تأثیر این متغیر را بر افزایش سن ازدواج و هم‌چنین تأثیری که بر تغییر ایده‌ها و نگرش‌ها دارد را نشان می‌دهند (بکر<sup>۴</sup> ۱۹۷۴؛ برین و لی‌لارد<sup>۵</sup> ۱۹۹۴؛ کبیر و همکاران<sup>۶</sup> ۲۰۰۱؛ جونز<sup>۷</sup> ۲۰۱۰؛ ضرابی و مصطفوی ۱۳۹۰؛ میرزایی و قربانی ۱۳۹۴؛

1. Ortega
2. Torabi and Baschieri
3. Good
4. Becker
5. Brien and Lillard
6. Kabir, Ahmad; Gulshana Jahan and Rukhshana Jahan
7. Jones

بالاخانی و امیرملکی، ۱۳۹۶). نتایج حاصله نشان می‌دهد بالا رفتن سطح تحصیلات، یکی از عوامل مهم افزایش سن ازدواج در میان زنان است. این عامل از چند طریق مختلف می‌تواند بر سن ازدواج تاثیر بگذارد:

۱. تحصیلات، باورها و ارزش‌های جدیدی را برای دختران ایجاد می‌نماید که در مقابل سنت‌ها مقاومت نموده و این تمایل در آنها ایجاد می‌شود که یا به انتخاب خود ازدواج کنند و یا ازدواج را برای کسب یک موقعیت بهتر به تاخیر اندازند (کبیر و همکاران، ۲۰۰۱: ۳۷۲).  
۲. با بالا رفتن سطح تحصیل، زنان می‌توانند فرصت‌های شغلی بهتری کسب نمایند و از این طریق وابستگی درآمدی و اقتصادی کمتری به شوهران خود داشته باشند (بکر، ۱۹۷۴: ۱۱).

۳. با در نظر گرفتن تحصیلات به عنوان یک سرمایه انسانی، ازدواج زودهنگام، هزینه فرصتی را برای زنان تحمیل می‌نماید که آنها را از به دست آوردن سرمایه آتی بیش‌تر محروم می‌نماید (اوپنهایمر<sup>۱</sup>، ۱۹۸۸: ۵۶۳).

۴. ازدواج هزینه‌های ادامه تحصیل را افزایش و منافع مورد انتظار ادامه تحصیل را کاهش می‌دهد. بنابراین ازدواج کردن احتمال ادامه تحصیل را کاهش خواهد داد (برین و لی‌لارد، ۱۹۹۴: ۱۶۷).

۵. زنان با تحصیلات بالاتر، نسبت به سایر زنان در بازار ازدواج از امتیاز بالاتری به لحاظ وجهه اجتماعی و شخصیتی و نیز پتانسیل درآمدی، برخوردارند و این امر قدرت انتخاب و تاخیر در پاسخ به پیشنهادهای ازدواج برای یافتن شوهری دلخواه با انتخاب خودشان را برای آنان میسر می‌نماید، که این خود فرایندی تاخیری در ازدواج زنان به شمار می‌رود (میترا، ۲۰۰۴: ۸۴).

در واقع، تاثیر آموزش و تحصیلات بر ازدواج را می‌توان به دو مسیر متفاوت استقلال و جذابیت تقسیم نمود. تاثیر استقلال از این جهت است که زنان با تحصیلات بالاتر به لحاظ اقتصادی مستقل هستند و به این ترتیب، می‌توانند ازدواج را برای یافتن همسر بهتر به تاخیر

---

1. Oppenheimer

اندازند. تاثیر جذابیت این گونه است که زنان با تحصیلات بالاتر، به دلیل دستمزد بالاتر یا پتانسیل درآمدی بهتر، در پی ازدواج همسران جذابی خواهند بود و به این ترتیب، تمایل به ازدواج با آنان افزایش می‌یابد (ضرابی و مصطفوی، ۱۳۹۰: ۴۱).

تقریباً تمامی مطالعات انجام گرفته در زمینه ازدواج، از تاثیر اشتغال و درآمد بر تاخیر ازدواج زنان حکایت دارند (مک دونالد و همکاران<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴؛ زهانگیر و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸؛ حسینی و گراوند ۱۳۹۲). این مطالعات نشان دادند که، شاغل شدن به خصوص برای دختران از اصلی ترین دلایل تاخیر ازدواج محسوب می‌شود. مهم ترین توجیه برای این رابطه بحث مستقل شدن دختران است. بنابراین با توجه به نظریه نوسازی و مطالعات انجام شده با افزایش سطح تحصیلات، ورود به بازارکار و کسب اشتغال و در کل بهبود موقعیت افراد خصوصاً زنان، انتظار می‌رود وضعیت ازدواج زنان تغییر یافته و دستخوش تحول گردد. شوئن و چنک<sup>۳</sup> (۲۰۰۶) دریافتند که انصراف از ازدواج<sup>۴</sup> با عواملی چون: میزان اشتغال زنان، تفاوت‌های جنسیتی کم‌تر در دریافت حقوق و افزایش سطح تحصیلات مرتبط است.

تاثیر مدرنیته بر مقوله ازدواج غیر قابل انکار می‌باشد. اکثر مطالعات انجام شده (باربارا و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵، منچ و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۰۵؛ اوگه<sup>۷</sup>، ۱۹۹۵؛ ضرابی و مصطفوی ۱۳۹۰؛ حبیب پور و غفاری ۱۳۹۰؛ احمدی ۱۳۸۹) تاثیر این متغیر را بر افزایش سن ازدواج نشان می‌دهند. به عنوان نمونه، اوگه (۱۹۹۵) دریافت که جامعه مدرن و جدید بر فردگرایی افراد می‌افزاید. فردگرایی در تمامی جنبه‌های زندگی انسان مدرن رخنه کرده و زندگی او را احاطه می‌نماید. حبیب پور و غفاری در پژوهشی تحت عنوان «علل افزایش سن ازدواج دختران» با استفاده از نظریه نوسازی در تبیین و تحلیل نتایج و جمع‌آوری داده‌ها به روش کمی، ریشه اصلی و عامل کلان افزایش سن ازدواج دختران در ایران را تجربه مدرنیته و نوسازی در ایران

1. McDonald

2. Zahngir, M.S., Karim, M.A, Zaman, M.R and Hussain

3. Schoen & Cheng

4. Retreat form Marriage

5. Barbara S. Mensch, Susheela Singh and John B. Casterline

6. Mensch, Barbara S.; Susheela Singh and John B. Casterline

7. Augé

می‌دانند. ضعف هنجارهای سنتی، آشفتگی اقتصادی و اجتماعی و دشواری ازدواج از جمله عوامل میانی است که نویسندگان بدان اشاره نموده‌اند. در سطح خُرد تحصیلات دختران، نگرش فرامادی به ازدواج و نگرش به ازدواج ترتیب یافته و انتخابی، به عنوان عوامل تاثیرگذار ذکر گردیده است (حبیب پور و غفاری، ۱۳۹۰: ۷)

ارزش ازدواج یکی دیگر از متغیرهایی است که تغییرات آن طی چند سال اخیر مورد توجه محققین بوده است. عباسی شوازی و رشوند در مطالعه‌ای تحت عنوان سهم ارزش ازدواج بر وضعیت ازدواج زنان در شهر تهران دریافتند که تاثیر ارزش ازدواج بر وضعیت ازدواج زنان معنادار است. به گونه‌ای که زنان ازدواج کرده در مقایسه با زنان ازدواج نکرده ارزش بیش تری برای ازدواج قائل هستند (عباسی شوازی و رشوند، ۱۳۹۶: ۱۳۵). رازقی نصرآباد و فلاح‌نژاد در مطالعه‌ای در شهر هشتگرد بدین نتیجه رسیدند که تفاوت آماری معناداری در ارزش ازدواج در نسل‌های مختلف وجود دارد و این تأثیر در حضور متغیرهای اقتصادی - اجتماعی هم‌چنان پابرجاست (رازقی نصرآباد و فلاح‌نژاد، ۱۳۹۶: ۶۳). میرزایی و قربانی در مطالعه‌ای در استان کهگیلویه و بویراحمد دریافتند که تغییرات ارزشی اثر معناداری بر زمان‌بندی ازدواج هر دو جنس دارد. برای حل مساله ازدواج و تغییر زمان‌بندی آن، باید به دنبال راهکارهایی جهت تغییر نگرش‌های منفی افراد نسبت به ازدواج بود (میرزایی و قربانی، ۱۳۹۴: ۴۹). سرایی و اوجاقلو در بررسی تفاوت‌های نسلی ارزش ازدواج در شهر زنجان دریافتند که، ارزش ازدواج در بین زنان نسل قبل از انقلاب در حد قوی، نسل انقلاب و جنگ در حد متوسط و در نسل بعد از انقلاب در حد ضعیف است (سرایی و اوجاقلو، ۱۳۹۲: ۱۹).

سفیری و همکاران تأثیر مصرف کالاهای فرهنگی را بر تغییر ارزش ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه تبریز مورد بررسی قرار دادند و دریافتند که میزان تغییر ارزش ازدواج در بین دانشجویان در سطح متوسط به بالاست و با افزایش مصرف کالاهای فرهنگی، تغییر ارزش‌های ازدواج (نظیر تجردگرایی، آزادی انتخاب، تغییر روابط مبتنی بر عشق، تغییر نوع انتخاب همسر، تغییر مفهوم ازدواج و نحوه روابط) تشدید می‌شود (سفیری و همکاران،



۱۳۹۷: ۴). هم‌چنین، در پژوهشی نزدیک به این موضوع، کاوه فیروز و صارم عوامل موثر بر نگرش دختران مجرد شاغل در دانشگاه علوم پزشکی شیراز به ازدواج را مورد بررسی قرار دادند و دریافتند که نگرش آن افراد به ازدواج تحت تاثیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی، ارتباطات اجتماعی، سبک زندگی، میزان مدیریت بدن و به ویژه مصرف فرهنگی است. بدین صورت که هرچه مصرف فرهنگی افراد بیش تر باشد، نگرش منفی تری به ازدواج دارند (کاوه فیروز و صارم، ۱۳۹۶: ۷۳).

این مطالعات هرچند نتایج ارزشمندی را ارائه داده‌اند، اما کم‌تر پژوهشی به مطالعه عوامل موثر بر ارزش ازدواج دختران پرداخته است. هم‌چنین در کم‌تر مطالعه‌ای تاثیر ویژگی‌های فردی بر ارزش ازدواج مورد تحقیق و کنکاش قرار گرفته است. به بیان دیگر نقطه قوت این تحقیق این است که، سهم فردگرایی و برابری جنسیتی را بر ارزش ازدواج مورد بررسی قرار دهد. هم‌چنین سهم هر یک از ویژگی‌های فردی را در ارزش ازدواج دختران مورد کنکاش قرار می‌دهد. همین‌طور باید در نظر داشت که هیچ‌یک از پژوهش‌های انجام شده در زمینه ارزش ازدواج در شهر تهران نیست، تغییرات ارزشی و نگرشی در شهر تهران (میدان مطالعه تحقیق حاضر) به عنوان پایتخت کشور و یکی از کلان‌شهرهای مدرن به مراتب نمود بیش تری خواهد داشت.

### ۳- مبانی و چارچوب نظری

رویکرهای نظری مختلفی برای تبیین زمان آغاز فرایند ازدواج و تشکیل خانواده مطرح شده‌اند. به طور کلی رویکردهای نظری رایج در زمینه‌ی تغییرات خانواده و ازدواج را می‌توان به دو دسته‌ی کلی تقسیم کرد: ۱- تبیین‌های ساختاری<sup>۱</sup> که تاکید بیشتری بر نقش جوامع در تبیین تغییرات خانواده و ازدواج دارند. ۲- تبیین‌های ایده‌ای و نگرشی<sup>۲</sup> که بیش تر بر نقش عوامل فرهنگی و تغییر ایده‌ها و ارزش‌ها در تبیین دگرگونی‌های خانواده و ازدواج تاکید می‌کنند.

1. Structural Explanation
2. Ideational Explanation

نظریه نوسازی یکی از رایج ترین و پرکاربردترین تبیین های ساختاری تغییرات ازدواج و خانواده است (گود ۱۹۶۳: ۵۷). گود (۱۹۶۳) با مطرح نمودن ایده انقلاب جهانی در الگوهای خانواده به گستره تاثیرات فرایند نوسازی بر خانواده و الگوهای ازدواج اشاره می کند و معتقد است این فرایند در سطوح مختلف فردی و اجتماعی، ازدواج و الگوهای آن و از جمله، زمان ازدواج را تحت تاثیر قرار می دهد. در میان مهم ترین ویژگی های نوسازی می توان به گسترش فرصت های تحصیلی، تغییرات در نیروی کار و فعالیت های شغلی، اشتغال زنان و ... اشاره کرد. یک بررسی انجام شده در مالزی توسط جونز<sup>۱</sup> نظریه نوسازی را حمایت می کند. در این بررسی جونز نتیجه گرفت که سن ازدواج زنان همزمان با توسعه آموزش برای زنان و افزایش مشارکت زنان افزایش یافته است. بنابراین با توجه به نظریه فوق با افزایش سطح تحصیلات، ورود به بازارکار و اشتغال و در کل بهبود موقعیت افراد به خصوص زنان، انتظار می رود الگوی سن ازدواج تغییر کند (جونز، ۱۹۸۱: ۲۵۵).

بر مبنای نظریه نوسازی نظریه پردازان جنسیتی نیز استدلال می کنند که افزایش سطح توسعه اقتصادی به کاهش نابرابری جنسیتی بین زنان و مردان خواهد انجامید، زیرا توسعه اقتصادی از طریق افزایش مشارکت زنان در اقتصاد صنعتی و بهبود سطح سواد آنها، بهبود وضعیت زنان در جامعه را به دنبال خواهد داشت. ارتقاء وضعیت اجتماعی و اقتصادی زنان در جامعه نیز منجر به افزایش سن در هنگام ازدواج خواهد شد (ساندارام<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵).

تبیین های ساختاری از دریچه های اقتصادی و اجتماعی به موضوع ازدواج و خانواده پرداخته و در تبیین چگونگی ازدواج و تشکیل خانواده به نقش تغییرات فرهنگی و ارزشی در تغییر رفتارها توجه ای ندارند. تبیین های نگرشی اهمیت بیش تری برای نقش بالقوه مهم تغییر ایده ها و گرایش های فرهنگی قائلند که در تعامل با عوامل ساختاری منجر به ایجاد تغییراتی در خانواده و ازدواج می شوند.

---

1. Jones

2. Sundaram

نسخه‌ی جدیدی از تبیین‌های نگرشی و ایده‌ای، نظریه‌ی ایده‌آلیزم توسعه‌ای است که توسط آرلند تورنتون<sup>۱</sup> مطرح شده است. در این نظریه، نیروی اصلی تعیین‌کننده‌ی تغییرات ارزشی و رفتاری در خانواده‌ها، اشاعه و گسترش ایده‌های مرتبط با توسعه و پیشرفت و مدرنیته در سطح جهان است. بر اساس این دیدگاه، ایده‌های مرتبط با توسعه و پیشرفت به عنوان یک آرمان بشری و در شکل بسته‌ای از ایده‌ها در دنیا مقبولیتی عام یافته است (تورنتون، ۲۰۰۱: ۴۴۹). جامعه و خانواده‌ی مدرن، خوب و قابل حصول توصیف شده و بین آن‌ها ارتباط علی متقابل وجود دارد. انسان‌های مدرن آزاد و برابرند و روابط اجتماعی مبتنی بر توافق و اجماع در میان آن‌ها حاکم است. گسترش این مجموعه از ایده‌ها، نیرویی قدرتمند در تغییرات نگرشی و رفتاری خانواده‌ها در سطح جهان بوده است (عسکری ندوشن و همکاران ۱۳۸۸: ۵-۶).

نظریه گذار دوم جمعیتی نیز از نظریاتی است که در قالب تبیین‌های ایده‌ای و نگرشی به تحلیل و تبیین تحولات رفتارهای جمعیتی و الگوهای نوظهور خانواده در کشورهای پیشرفته صنعتی غرب می‌پردازد (لستهاق و سورکین<sup>۲</sup> ۲۰۰۸). این نظریه تاکید بیش‌تری بر نقش تغییرات نگرشی و فرهنگی در شکل دادن به ایده‌آل‌های فردی در مورد خانواده و تبیین تحولات خانواده در کشورهای صنعتی به ویژه بعد از جنگ جهانی دوم دارد. بر اساس تئوری گذار جمعیتی دوم، نقش ازدواج به عنوان سازمان‌دهنده بنیادی زندگی خانوادگی، بطور قابل ملاحظه‌ای در سراسر جهان کاهش داشته است. نقش زنان و مردان با مشارکت زنان در آموزش، دانشگاه و کار دگرگون شده است. نگرش‌ها بیش از پیش به سمت نقش‌های جنسیتی برابری طلب در حرکت است و تفکر مستقل در بین جوانان بطور فزاینده‌ای به یک ارزش مبدل شده است. احمدی و همکاران نشان دادند که در کشورهایمانند مالی، بورکینافاسو، عراق، زامبیا و ... که در مراحل ابتدایی گذار جمعیتی اول هستند خانواده‌گرایی زیاد و نگرش نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده در آن‌ها مثبت است، اما در

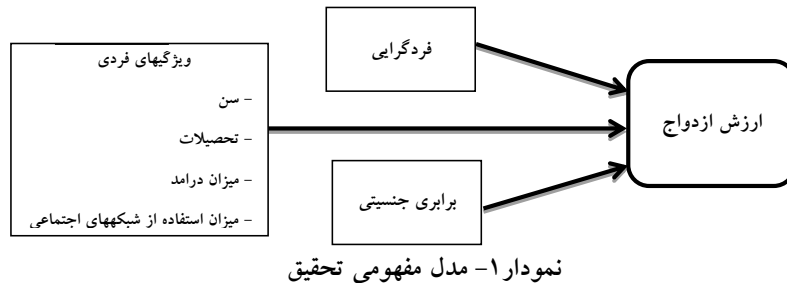
---

1. Thornton

2. Lesthaeghe and Surkyn

کشورهایی که در مرحله دوم گذار جمعیتی هستند مانند سوئد، فنلاند، فرانسه و ... خانواده‌گرایی پایین و نگرش نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده منفی است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۱). بنابراین با توجه به نظریات ایده‌آلیزم توسعه‌ای، گذار دوم جمعیتی و مطالعات انجام شده تحولات نگرشی و ارزشی که در حوزه خانواده و ازدواج حادث شده است، می‌تواند بر تعریف افراد از ارزش ازدواج تاثیرگذار باشد.

با توجه به نظریه‌های مطرح شده و هم‌چنین مطالعات پیشین، انتظار می‌رود که بین سن، سطح تحصیلات، میزان درآمد، برابری جنسیتی، فردگرایی و میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی با ارزش ازدواج دختران رابطه وجود داشته باشد. با افزایش سطح تحصیلات، افراد سال‌های بیش‌تری را صرف مسائل آموزشی نموده و لذا احتمال می‌رود دیرتر ازدواج نمایند. با بالا رفتن سطح تحصیلات، انتظار افراد برای ورود به بازار کار بیش‌تر می‌شود و این موضوع یعنی پیدا کردن شغل مناسب و افزایش درآمد که می‌تواند باعث تغییر در ارزش ازدواج گردد. هم‌چنین تحصیلات عامل تغییر در نگرش‌ها و ارزش‌ها است. سواد و تحصیلات باعث تحولات فردی و دگرگونی در ایده‌ها و نگرش‌ها و ارزش‌های شخصی می‌گردد و با گسترش افق دید افراد به ماورای مرزهای سنتی جامعه، آنها را به ارزیابی مجدد از ارزش‌های خانواده و ازدواج وادار می‌سازد. بنابراین با استفاده از مطالب فوق می‌توان ادعان داشت که، ویژگی‌های فردی افراد هم‌چون، سن، تحصیلات، میزان درآمد و میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی (هم‌چون فیس‌بوک، تلگرام و ...) متغیرهای مهم و اثرگذاری در ارتباط با ارزش ازدواج هستند. بر مبنای تبیین‌های ایده‌ای و نگرشی، جهت تحلیل رفتار افراد در زمینه ازدواج، باید به سراغ نگرش و تحولاتی که در نگرش افراد در زمینه ازدواج و خانواده ایجاد گردیده است، رفت. هم‌چنین، برخی از مطالعات (رشوند ۱۳۹۷؛ سرایی و اوچاقلو ۱۳۹۲؛ رازقی نصرآباد و فلاح‌نژاد ۱۳۹۶؛ میرزایی و قربانی ۱۳۹۴) به تغییرات ارزشی که در زمینه ازدواج رخ داده است، اشاره داشته‌اند. بر این اساس، به نظر می‌رسد یکی از عوامل تاثیرگذار در زمینه ازدواج، مقوله ارزش ازدواج است. با توجه به نظریات ارائه شده و مطالعات پیشین، مدل مفهومی تحقیق حاضر در نمودار ۱ نشان داده شده است.



#### ۴- داده‌ها و روش تحقیق

داده‌های این بررسی حاصل یک پیمایش مقطعی است که با استفاده از ابزار پرسشنامه‌ی ساخت‌یافته گردآوری شده است و در پاییز ۱۳۹۷ به انجام رسیده است. جامعه آماری تحقیق شامل دختران هرگز ازدواج‌نکرده ۲۰-۳۴ ساله شهر تهران است. دلیل انتخاب این دامنه سنی این است که قبل از سن ۲۰ سالگی ازدواج در شهر تهران چندان چشم‌گیر نیست و بعد از سن ۳۴ سالگی نیز از فراوانی ازدواج‌ها کاسته خواهد شد. به بیان دیگر بیش‌تر ازدواج‌ها در دامنه سنی ۲۰-۳۴ سالگی اتفاق می‌افتد. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران جمعیت دختران هرگز ازدواج‌نکرده ۲۰-۳۴ ساله شهر تهران بر اساس آخرین سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، ۴۵۸۱۳۴ نفر است، که از این تعداد ۱۸۵۵۵۶ نفر (۴۰٫۵ درصد) در گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله، ۱۵۷۲۸۵ نفر (۳۴٫۳ درصد) در گروه سنی ۲۵-۲۹ ساله و ۱۱۵۲۹۳ نفر (۲۵٫۲ درصد) در گروه سنی ۳۰-۳۴ ساله قرار دارند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۶۰۰ نفر برآورد گردید. روش نمونه‌گیری، ترکیبی از روش‌های طبقه‌بندی چندمرحله‌ای و تصادفی سیستماتیک بوده است. ابتدا جمعیت دختران هرگز ازدواج‌نکرده ۲۰-۳۴ ساله مناطق ۲۲ گانه شهر تهران (۴۵۸۱۳۴ نفر) در نظر گرفته شدند و سپس به تناسب جمعیت هر منطقه تعداد نمونه هر منطقه مشخص گردید. بدین ترتیب ۲۲ حوزه در کل سطح شهر تهران (مناطق ۲۲ گانه) انتخاب گردیده و از روی توزیع درصد در هر منطقه توزیع جمعیت در آن منطقه محاسبه شدند.

در ادامه تعداد جمعیت نمونه (۶۰۰ نفر) را با توجه به اینکه ۴۰,۵ درصد جامعه آماری در گروه سنی ۲۴-۲۰ ساله، ۳۴,۳ درصد در گروه سنی ۲۹-۲۵ ساله و ۲۵,۲ درصد در گروه سنی ۳۴-۳۰ ساله قرار داشتند و با توجه به این که نمونه آماری ما ۶۰۰ نفر است، بنابراین ۴۰,۵ درصد یعنی ۲۴۳ نفر متعلق به دختران گروه سنی ۲۴-۲۰ ساله، همین طور ۳۴,۳ درصد یعنی ۲۰۶ نفر متعلق به دختران گروه سنی ۲۹-۲۵ ساله و ۲۵,۲ درصد یعنی ۱۵۱ نفر متعلق به دختران گروه سنی ۳۴-۳۰ ساله بودند.

در ادامه نقشه‌های حوزه‌های منتخب از هر منطقه، از مرکز آمار ایران تهیه شد و پس از آموزش نکات لازم به پرسشگران و مراجعه به بلوک‌های منتخب، از آنان خواسته شد که در شمال غربی بلوک قرار گرفته و با حرکت به طرف شرق و عبور از دو خانه اول، با خانه سوم در صورت واجد شرایط بودن مصاحبه کنند. بعد مجدداً دو خانه را رد کرده و با خانه بعدی (ششم) مصاحبه کنند و به این ترتیب بلوک را دور بزنند تا تعداد نمونه مورد نظر تکمیل گردد.

##### ۵- متغیرهای مطالعه و شیوه تحلیل داده‌ها

در این مطالعه، متغیرهای برابری جنسیتی، فردگرایی، سن، تحصیلات، درآمد فرد و میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی، متغیرهای مستقل به شمار می‌روند. متغیر وابسته نیز، ارزش ازدواج است.

##### ۵-۱- متغیر وابسته: ارزش ازدواج

ارزش‌ها را در کنار باورها، هنجارها و تکنولوژی‌ها، به عنوان چهار جزء اصلی فرهنگ در نظر می‌گیرد. او در یک تعریف نسبتاً کلی، ارزش‌ها را مجموعه‌ای از پنداشت‌های اساسی نسبت به آنچه پسندیده است تعریف می‌کند که تجلی عمیق‌ترین احساسات مشترک نسبت به جهان در جامعه‌اند (اولسون ۱۹۹۱ به نقل از چلبی ۱۳۷۵: ۵۷). به طور تلویحی خصوصیات اصلی مفهوم ارزش‌ها در آثار بسیاری از نظریه‌پردازان و محققان را می‌توان به صورت زیر خلاصه نمود:

- ارزش‌ها، باورها هستند. باورهایی که در احساس تنیده شده‌اند، نه ایده‌های سرد و عینی.

- ارزش‌ها، یک سازه انگیزه‌ای هستند. آن‌ها به اهداف مورد تمایلی اشاره دارند که مردم برای به دست آوردن آن تلاش می‌کنند.

- ارزش‌ها، به وسیله اهمیت نسبی یکدیگر منظم می‌شوند. ارزش‌های مردم، یک نظام منظم از اولویت‌های ارزشی را شکل می‌دهد (شوارتز ۲۰۰۶: ۱۵).

بنابراین ارزش‌ها، تصاویر ذهنی هدایت‌گر کنش اجتماعی است. بعضی از این تصاویر ذهنی، از نظر اجتماعی، مطلوب یا به اصطلاح خوب و بعضی دیگر به عنوان بد مشخص می‌شود. بنابراین، ارزش‌ها دربردارنده عنصری از مطلوبیت و یک جزء اخلاقی است که اشکال متفاوت رفتار بشری و اهدافی را متمایز می‌سازد که انسان‌ها برای آن - اهداف و رفتارهای بهتر یا بدتر و پذیرفتنی و نپذیرفتنی - تلاش می‌کنند (محسنی ۱۳۷۹: ۲۷). در این مطالعه، برای سنجش ارزش ازدواج، از اجزا و عناصری چون؛ نگرش نسبت به ازدواج، ارزش سن ازدواج بالا، ارزش مجردگرایی و... استفاده شده است.

جهت سنجش میزان پایایی ابزار اندازه‌گیری (پرسشنامه)، از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. مقدار استاندارد شده آلفای کرونباخ متغیر ارزش ازدواج برابر با ۰/۸۹۵ است. بنابراین گویه‌های مربوط به شاخص مورد نظر (ارزش ازدواج) از میزان پایایی و به عبارتی همسازی درونی بالایی جهت سنجش این شاخص برخوردار می‌باشند.

برای سنجش و بررسی متغیر ارزش ازدواج، از ۸ گویه استفاده شده است که طیف آن به صورت ترتیبی از کاملاً مخالفم با کد (۱) تا کاملاً موافقم با کد (۵) است. برای به دست آوردن و سنجش متغیر ارزش ازدواج، ۸ گویه با یکدیگر جمع شده است. بدین ترتیب متغیری در مقیاس فاصله‌ای به دست آمده است. به گونه‌ای که کم‌ترین نمره این شاخص (ارزش ازدواج) ۸ و بیش‌ترین نمره این شاخص ۴۰ است و دامنه تغییرات این شاخص ۳۲ می‌باشد. نمره بالاتر به معنای ارزش ازدواج بیش‌تر و نمره پایین‌تر به معنای ارزش ازدواج کم‌تر است.

## ۲-۵- متغیرهای مستقل

**برابری جنسیتی:** برابری جنسیتی بدان معنا است که زن و مرد حقوق و وظایف یکسان دارند، و همه از فرصت‌های مساوی در جامعه برخوردار هستند. به عبارت دیگر برابری جنسیتی، میزانی که زنان فرصت‌های برابری برای توسعه‌ی استعدادهای‌شان برای انتخاب مستقلانه دارند را منعکس می‌کند (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۳۴۵). در این تحقیق، برای سنجش و بررسی برابری جنسیتی، از پاسخگویان خواسته شده است تا نظر و میزان اعتقاد خود را نسبت به یکسانی و تشابه برخورد با زنان (همانند مردان) در زمینه‌های مختلفی هم‌چون درآمد، اشتغال، فعالیت‌های سیاسی، تصمیم‌گیری در امور محلی و ملی، انجام امور خانه و تربیت فرزندان اعلام نمایند. طیفی که برای پاسخ به این گویه‌ها در نظر گرفته شده، به صورت ترتیبی از کاملاً موافقم با کد (۱) تا کاملاً مخالفم با کد (۵) است. مقدار استاندارد شده آلفای کرونباخ برای متغیر برابری جنسیتی برابر با ۰/۸۰۳ است. بنابراین گویه‌های مربوط از میزان پایایی و به عبارتی همسازی درونی بالایی جهت سنجش این شاخص برخوردار می‌باشند.

برای به دست آوردن و سنجش متغیر برابری جنسیتی ۱۰ گویه مربوطه با یکدیگر جمع شده است. بدین ترتیب متغیری در مقیاس فاصله‌ای به دست آمده است. به گونه‌ای که کم‌ترین نمره ۱۰ و بیش‌ترین نمره ۵۰ بوده و دامنه تغییرات آن‌ها ۴۰ می‌باشد. نمره بالاتر به معنای برابری جنسیتی بیش‌تر و نمره پایین‌تر به معنای برابری جنسیتی کم‌تر است.

**فردگرایی:** منظور از فردگرایی این است که افراد بجای اولویت دادن به خواست‌ها و علایق جمعی، سنتی و خانوادگی به ارزش‌ها و خواست‌های فردی خود اولویت می‌دهند. در فردگرایی همه قوانین و احکام جمعی بر حسب احکام فردی (انگیزه، قدرت، اعتقاد و ...) توصیف می‌شوند (لیتل<sup>۱</sup>، ۱۳۷۳: ۳۱۶). برای سنجش و بررسی متغیر فردگرایی، از ۸ گویه (اهمیت ندادن به انتظارات خانواده، عدم مشورت با خانواده، انجام کارهای مورد علاقه، عدم علاقه به دخالت والدین، اهمیت ندادن به رسم و رسوم، عدم احساس مسئولیت به اتفاقات

---

1. Little



جامعه، علاقه به زندگی مستقل، پیگیری آرزوهای فردی و اولویت نیازهای فردی به نیازهای خانوادگی) استفاده شده است که طیف آن به صورت ترتیبی از کاملاً مخالفم با کد (۱) تا کاملاً موافقم با کد (۵) است. مقدار استاندارد شده آلفای کرونباخ برای متغیر فردگرایی برابر با ۰/۸۹۱ است. بنابراین گویه‌های مربوط به شاخص مورد نظر (فردگرایی) از میزان پایایی و به عبارتی همسازی درونی بالایی جهت سنجش این شاخص برخوردار می‌باشند. برای به دست آوردن و سنجش متغیر فردگرایی، ۱۰ گویه با یکدیگر جمع شده است. بدین ترتیب تغییری در مقیاس فاصله‌ای به دست آمده است، به گونه‌ای که کم‌ترین نمره این شاخص (فردگرایی) ۱۰ و بیش‌ترین نمره این شاخص ۵۰ بوده و دامنه تغییرات این شاخص ۴۰ می‌باشد. نمره بالاتر به معنای فردگرایی بیش‌تر و بالاتر و نمره پایین‌تر به معنای فردگرایی کم‌تر و پایین‌تر است.

سن: در این تحقیق، جهت سنجش متغیر سن از فرد پاسخگو خواسته شده است تا تاریخ تولد خود را ذکر نماید. بنابراین سن هر فرد به صورت متغیر فاصله‌ای در نظر گرفته شده است.

**تحصیلات:** سطح تحصیلات فرد نیز به دو صورت ترتیبی (۱) زیردیپلم و دیپلم، ۲ کاردانی، ۳ کارشناسی، ۴ کارشناسی ارشد و بالاتر، و فاصله‌ای و با پرسش از تعداد کلاس‌هایی که فرد به صورت رسمی در مدارس و دانشگاه‌ها درس خوانده است، مورد سنجش و بررسی قرار گرفته است.

**درآمد فرد:** درآمد فرد نیز با این سوال که میزان درآمد شما در ماه (به تومان) چه میزان است؟ مورد سنجش قرار گرفته است. بنابراین، درآمد هر فرد به صورت متغیر فاصله‌ای در نظر گرفته شده است.

**استفاده از شبکه‌های اجتماعی:** استفاده از شبکه‌های اجتماعی نیز با طرح این سوال که چند ساعت در روز از شبکه‌های اجتماعی هم‌چون تلگرام، فیس‌بوک و ... استفاده می‌کنید؟ مورد سنجش قرار گرفته است. بنابراین، میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی توسط هر فرد به صورت متغیر فاصله‌ای در نظر گرفته شده است.

## ۶- یافته‌ها

## ۱-۶- یافته‌های توصیفی و دو متغیره

جدول ۱، توزیع دختران ۲۰-۳۴ ساله ازدواج نکرده شهر تهران را بر حسب ویژگی‌های فردی نشان می‌دهد. توزیع زنان بر حسب گروه‌های سنی حاکی از آن است که ۴۰/۵ درصد در گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله، ۳۴/۳ درصد در گروه سنی ۲۵-۲۹ ساله و ۲۵/۲ درصد در گروه سنی ۳۰-۳۴ قرار دارند. لازم به ذکر است که تقسیم‌بندی نمونه آماری در گروه‌های سنی مختلف با توجه به نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ شهر تهران است. بنابراین، کاملاً منطبق با نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ شهر تهران می‌باشد. میانگین سنی دختران ۲۶/۴ سال است.

جدول ۱- توزیع نمونه تحقیق بر حسب ویژگی‌های فردی

کل		ویژگی‌های فردی	
درصد	تعداد		
۴۰/۵	۲۴۳	۲۰-۲۴ ساله	سن
۳۴/۳	۲۰۶	۲۵-۲۹ ساله	
۲۵/۲	۱۵۱	۳۰-۳۴ ساله	
۱۰۰/۰	۶۰۰	جمع	
۲۶/۴		میانگین سنی	
۷/۷	۴۶	زیردیپلم و دیپلم	سطح تحصیلات (درصد)
۱۱/۷	۷۰	کاردانی	
۵۴/۳	۳۲۶	کارشناسی	
۲۶/۳	۱۵۸	کارشناسی ارشد و بالاتر	
۱۰۰/۰	۶۰۰	جمع	
۱۵۰۰۰۰۰		میانگین درآمد (تومان)	
۳۶/۵	۲۱۹	کم	میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی
۳۷/۷	۲۲۶	متوسط	
۲۵/۸	۱۵۵	زیاد	
۱۰۰/۰	۶۰۰	جمع	

توزیع زنان بر حسب سطح تحصیلات، از دیگر ویژگی‌های ارائه شده در جدول ۱ است. مطابق نتایج، کم‌تر از ۸ درصد جامعه آماری دارای تحصیلات زیردیپلم و دیپلم است و این سطح تحصیلات بیش‌تر متعلق به گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله است. در این گروه سنی افراد بیش‌تر دارای تحصیلات کارشناسی و سپس کارشناسی ارشد و بالاتر هستند. در گروه سنی ۲۵-۲۹ ساله افراد بیش‌تر دارای تحصیلات کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری و کاردانی هستند. در گروه سنی ۳۰-۳۴ ساله افراد بیش‌تر دارای تحصیلات کارشناسی، کاردانی، دیپلم و کارشناسی ارشد و بالاتر هستند.

از دیگر نتایج جدول ۱، میانگین درآمد افراد است. از ۶۰۰ نفر نمونه تحقیق ۲۱۰ نفر دارای درآمد هستند که حداقل درآمد کم‌تر از یک میلیون تومان و حداکثر درآمد ۵ میلیون و بیش‌تر بوده است. میانگین درآمد در بین کسانی که دارای درآمد هستند یک میلیون و پانصد هزار تومان است. میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی هم‌چون تلگرام، فیس‌بوک و ... در ۳۶/۵ درصد نمونه یک ساعت و کم‌تر بوده است، که این امر بیش‌تر مربوط به گروه سنی ۳۰-۳۴ ساله است. ۳۷/۷ درصد افراد در طول روز بیش از یک ساعت تا ۴ ساعت از این شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند که بیش‌تر متعلق به گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله و ۲۵-۲۹ ساله است. در نهایت حدود ۲۶ درصد کسانی هستند که در طول روز بیش از چهار ساعت تا دوازده ساعت از این شبکه‌ها استفاده می‌کنند و گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله در این خصوص پیش‌تاز است.

جدول ۲، توزیع دختران ۲۰-۳۴ ساله ازدواج‌نکرده شهر تهران را بر حسب متغیرهای ارزش ازدواج، برابری جنسیتی و فردگرایی نشان می‌دهد. توزیع دختران بر حسب متغیر ارزش ازدواج حاکی از آن است که ۱۶/۷ درصد ارزش پایین، ۲۲/۷ درصد ارزش نسبتاً پایین، ۴۱ درصد ارزش نسبتاً بالا و ۱۹/۷ درصد ارزش بالایی برای ازدواج قائل هستند. بنابراین حدود ۴۰ درصد دختران ارزش پایین و نسبتاً پایینی برای ازدواج و ۶۰ درصد دختران ارزش بالا و نسبتاً بالایی برای ازدواج قائل هستند. همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد، برای سنجش و بررسی متغیر ارزش ازدواج، از ۸ گویه استفاده شده است به گونه‌ای که

کمترین نمره این شاخص (ارزش ازدواج) ۸ و بیشترین نمره این شاخص ۴۰ است و دامنه تغییرات این شاخص ۳۲ می‌باشد. میانگین متغیر ارزش ازدواج ۲۶/۸ است. توزیع دختران بر حسب متغیر برابری جنسیتی حاکی از آن است که ۴/۳ درصد دارای برابری جنسیتی پایین، ۳۵/۲ درصد برابری جنسیتی نسبتاً پایین، ۳۸/۸ درصد برابری جنسیتی نسبتاً بالا و ۲۱/۷ درصد دارای برابری جنسیتی بالا هستند. بنابراین حدود ۴۰ درصد دختران دارای برابری جنسیتی پایین و نسبتاً پایین و ۶۰ درصد دختران برابری جنسیتی بالا و نسبتاً بالا دارند. برای سنجش و بررسی متغیر برابری جنسیتی، از ۱۰ گویه استفاده شده است به گونه‌ای که کمترین نمره این شاخص ۱۰ و بیشترین نمره این شاخص ۵۰ است و دامنه تغییرات این شاخص ۴۰ می‌باشد. میانگین متغیر برابری جنسیتی ۳۱/۹ است (جدول ۲).

از دیگر نتایج جدول ۲، توزیع متغیر فردگرایی است. ۸ درصد دختران دارای فردگرایی پایین، ۴۲/۷ درصد فردگرایی نسبتاً پایین، ۳۱/۲ درصد فردگرایی نسبتاً بالا و ۱۸/۲ درصد دارای فردگرایی بالا هستند. بنابراین حدود ۵۱ درصد دختران دارای فردگرایی پایین و نسبتاً پایین و ۴۹ درصد دختران فردگرایی بالا و نسبتاً بالا دارند. برای سنجش و بررسی متغیر فردگرایی، از ۱۰ گویه استفاده شده است به گونه‌ای که کمترین نمره این شاخص ۱۰ و بیشترین نمره این شاخص ۵۰ است و دامنه تغییرات این شاخص ۴۰ می‌باشد. میانگین متغیر فردگرایی ۳۰/۷ است.

جدول ۲- توزیع نمونه تحقیق بر حسب متغیرهای ارزش ازدواج، برابری جنسیتی و فردگرایی

کل		ارزش ازدواج، برابری جنسیتی و فردگرایی	
درصد	تعداد		
۱۶/۷	۱۰۰	پایین	ارزش ازدواج
۲۲/۷	۱۳۶	نسبتاً پایین	
۴۱/۰	۲۴۶	نسبتاً بالا	
۱۹/۷	۱۱۸	بالا	
۱۰۰/۰	۶۰۰	جمع	
۲۶/۸		میانگین ارزش ازدواج	

کل		ارزش ازدواج، برابری جنسیتی و فردگرایی	
درصد	تعداد		
۴/۳	۲۶	پایین	برابری جنسیتی
۳۵/۲	۲۱۱	نسبتاً پایین	
۳۸/۸	۲۳۳	نسبتاً بالا	
۲۱/۷	۱۳۰	بالا	
۱۰۰/۰	۶۰۰	جمع	
۳۱/۹		میانگین برابر جنسیتی	
۸/۰	۴۸	پایین	فردگرایی
۴۲/۷	۲۵۶	نسبتاً پایین	
۳۱/۲	۱۸۷	نسبتاً بالا	
۱۸/۲	۱۰۹	بالا	
۲۵/۸	۶۰۰	جمع	
۳۰/۷		میانگین فردگرایی	

جدول ۳، آزمون رابطه دو متغیره بین متغیر ارزش ازدواج و متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد. رابطه بین برابری جنسیتی و ارزش ازدواج دختران در سطح ۰/۰۱ معنادار است. جهت رابطه معکوس است بدین معنا که با افزایش برابری جنسیتی ارزش ازدواج در بین دختران کاهش می‌یابد. رابطه بین فردگرایی و ارزش ازدواج در جهت معکوس و در سطح ۰/۰۱ معنادار است. با افزایش فردگرایی در بین دختران ۲۰-۳۴ ساله هنوز ازدواج نکرده ارزش ازدواج کاهش می‌یابد.

رابطه بین عوامل فردی شامل سن، سطح تحصیلات، درآمد فرد و میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی با متغیر وابسته ارزش ازدواج در سطح ۰/۰۱ معنادار است. به جز متغیر سن جهت متغیرهای دیگر (سطح تحصیلات، درآمد و میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی) با متغیر ارزش معکوس است. بدین معنا که با افزایش سطح تحصیلات، افزایش میزان درآمد و افزایش میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی، ارزش ازدواج کاهش می‌یابد. این در حالی است که با افزایش سن، ارزش ازدواج در بین دختران افزایش یافته است. به بیان دیگر اگر

تنها متغیر سن را در نظر بگیریم، کمترین ارزش ازدواج متعلق به دختران گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله و بیشترین میزان ارزش ازدواج متعلق به دختران گروه سنی ۳۰-۳۴ ساله است (جدول ۳).

بنابراین، نتایج تحلیل دو متغیره حاکی از آن است که، بین تمامی متغیرهای مستقل (برابری جنسیتی، فردگرایی، سن، سطح تحصیلات، درآمد و میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی) و متغیر وابسته ارزش ازدواج، رابطه معنادار در سطح ۰/۰۱ برقرار است. به جز متغیر سن، جهت تمام متغیرهای مستقل دیگر با متغیر ارزش ازدواج معکوس است.

جدول ۳- رابطه دو متغیره بین ارزش ازدواج و متغیرهای مستقل

ارزش ازدواج در بین دختران ۲۰-۳۴ ساله ازدواج نکرده		رابطه بین ارزش ازدواج و متغیرهای مستقل
ضریب پیرسون	سطح معنی داری	
-۰/۶۲۵	۰/۰۰۰	برابری جنسیتی
-۰/۷۱۹	۰/۰۰۰	فردگرایی
۰/۲۳۰	۰/۰۰۱	سن
-۰/۲۸۶	۰/۰۰۰	تحصیلات
-۰/۶۹۴	۰/۰۰۰	درآمد
-۰/۲۴۱	۰/۰۰۱	میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی

به جهت فهم دقیق‌تر عوامل موثر بر ارزش ازدواج دختران، رگرسیون چندمتغیره در ۲ مرحله انجام شده است. در مرحله اول، ویژگی‌های فردی را به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته و تاثیر آن را بر متغیر وابسته که ارزش ازدواج است سنجیدیم. در مرحله دوم، متغیرهای برابری جنسیتی و فردگرایی را وارد تحلیل کرده و تاثیر همزمان ۶ متغیر سن، سطح تحصیلات، درآمد، میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی، فردگرایی و برابری جنسیتی را بر متغیر وابسته (ارزش ازدواج) سنجیده‌ایم.

جدول ۴ خروجی رگرسیون چندمتغیره<sup>۱</sup> عوامل موثر بر ارزش ازدواج دختران ۲۰-۳۴ ساله ازدواج نکرده را نشان می‌دهد. با توجه به مقدار  $F (11/232)$  و معناداری آن ( $Sig=0/000$ ) می‌توان نتیجه گرفت که در این مدل رگرسیونی، مجموعه متغیرهای مستقل (سن، سطح تحصیلات، درآمد، میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی) قادرند تغییرات نمره میزان ارزش ازدواج را تبیین کنند. ضرایب رگرسیونی گزارش شده، نشان می‌دهد که سه متغیر سن، تحصیلات و درآمد تأثیر مستقل و معناداری بر متغیر وابسته یعنی ارزش ازدواج داشته‌اند.

ضریب تاثیر استاندارد (Beta) گویای جهت و به ویژه شدت تأثیر هریک از متغیرهای مستقل، بر میزان ارزش ازدواج است. بر این اساس، متغیر درآمد با بالاترین ضریب ( $0/744$ ) قوی‌ترین پیش‌بینی کننده میزان ارزش ازدواج از دیدگاه دختران ازدواج نکرده است. متغیرهای سن و تحصیلات در مرتبه بعدی اهمیت قرار دارد.

در مجموع سه متغیر سن، تحصیلات و درآمد،  $54/6$  درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند. جهت دو متغیر تحصیلات و درآمد بر ارزش ازدواج منفی بوده است. بدین معنی که با افزایش تحصیلات و درآمد از میزان ارزش ازدواج کاسته می‌شود. به بیان دیگر، دخترانی که تحصیلات و درآمد بالایی دارند، دارای نمره پایینی در ارزش ازدواج بوده و ارزش کم‌تری برای ازدواج قائل هستند. جهت متغیر سن بر ارزش ازدواج مثبت بوده است. بدین معنی که با افزایش سن بر میزان ارزش ازدواج افزوده خواهد شد. به عبارت دیگر، دخترانی که سن بالاتری دارند، ارزش بیش‌تری برای ازدواج قائل هستند (جدول ۴).

در مدل دوم، علاوه بر ویژگی‌های فردی، متغیرهای فردگرایی و برابری جنسیتی را نیز وارد تحلیل کرده و تاثیر همزمان ۶ متغیر سن، سطح تحصیلات، درآمد، میزان استفاده از

۱. لازم به ذکر است پیش‌فرض‌های رگرسیون مانند آماره دوربین واتسون و آماره تحمل محاسبه گردید. بررسی استقلال خطاها با استفاده از آزمون دوربین-واتسون صورت گرفت. مقدار این آماره برای مدل اول برابر با  $2/15$  و برای مدل دوم برابر با  $1/93$  بود. هم‌چنین آماره تحمل برای متغیرهای تحقیق حاکی از این بود که میزان هم‌خطی بین متغیرهای مستقل نگران‌کننده نیست.

شبکه‌های اجتماعی، فردگرایی و برابری جنسیتی را بر متغیر وابسته (ارزش ازدواج) سنجیده‌ایم.

جدول ۴- مدل‌ها و ضرایب رگرسیونی (بتاها) مربوط به تاثیر متغیرهای مستقل تحقیق بر ارزش ازدواج افراد نمونه، ۱۳۹۷

مدل اول		Beta	Sig
ویژگی‌های فردی	سن	۰/۵۲۴	۰/۰۰۹
	سطح تحصیلات	-۰/۳۹۴	۰/۰۱۶
	درآمد	-۰/۷۴۴	۰/۰۰۰
	میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی	-۰/۲۳۵	۰/۱۲۲
	ضریب همبستگی	۰/۷۷۴	
	ضریب تعیین	۰/۶۰۰	
	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۴۶	
مدل دوم		Beta	Sig
ویژگی‌های فردی و متغیرهای فردگرایی و برابری جنسیتی	سن	۰/۵۹۸	۰/۰۰۰
	سطح تحصیلات	-۰/۴۷۰	۰/۰۰۰
	درآمد	-۰/۷۰۴	۰/۰۰۰
	میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی	-۰/۶۰۳	۰/۰۰۰
	فردگرایی	-۰/۵۷۴	۰/۰۰۰
	برابری جنسیتی	-۰/۲۱۴	۰/۰۰۷
	ضریب همبستگی	۰/۹۴۸	
	ضریب تعیین	۰/۸۹۹	
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۸۷۸		

با توجه به مقدار  $F(41/649)$  و معناداری آن ( $Sig=0/000$ ) می‌توان نتیجه گرفت که در این مدل رگرسیونی، مجموعه متغیرهای مستقل قادرند تغییرات نمره میزان ارزش ازدواج را تبیین کنند. ضرایب رگرسیونی گزارش شده، نشان می‌دهد که از میان ۶ متغیر مستقل وارد



شده در مدل رگرسیونی، تمامی متغیرهای مستقل تأثیر مستقل و معناداری بر متغیر وابسته یعنی ارزش ازدواج داشته‌اند. متغیر درآمد با بالاترین ضریب (۰/۷۰۴) قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده میزان ارزش ازدواج از دیدگاه دختران ۲۰-۳۴ ساله است. متغیرهای میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی<sup>۱</sup>، سن، فردگرایی، سطح تحصیلات و برابری جنسیتی به ترتیب در مراتب بعدی اهمیت قرار دارند.

در مجموع در بین دختران ۲۰-۳۴ ساله، ۶ متغیر درآمد، میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی، سن، فردگرایی، سطح تحصیلات و برابری جنسیتی ۸/۸۷ درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند. از میان این شش متغیر، به جز متغیر سن، جهت رابطه پنج متغیر دیگر بر ارزش ازدواج منفی بوده است. بدین معنی که با افزایش میزان درآمد از میزان ارزش ازدواج کاسته می‌شود. به بیان دیگر دخترانی که میزان درآمد بالاتری دارند، نمره پایینی در ارزش ازدواج کسب کرده‌اند همین‌طور با افزایش میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی، فردگرایی، سطح تحصیلات و برابری جنسیتی از میزان ارزش ازدواج کاسته خواهد شد. این در حالی است که، با افزایش سن میزان ارزش ازدواج افزایش خواهد یافت. به عبارت دیگر، دخترانی که در گروه سنی ۳۰-۳۴ ساله هستند نسبت به دو گروه سنی دیگر (۲۰-۲۴ ساله و ۲۹-۲۵ ساله)، دارای نمره بالایی در ارزش ازدواج هستند.

بنابراین نتایج تحلیل چند متغیره که با استفاده از روش رگرسیون چندمتغیره انجام گرفت، نشان داد که، دخترانی که در گروه سنی ۳۰-۳۴ ساله قرار داشته، تحصیلات و درآمد پایینی دارند، نمره پایینی در فردگرایی و برابری جنسیتی گرفته‌اند و میزان استفاده کمی از شبکه‌های اجتماعی دارند، ارزش زیاد و بالایی برای ازدواج قائل هستند. برعکس دخترانی که نمره بالایی در فردگرایی و برابری جنسیتی کسب کرده‌اند، در گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله

---

۱. در مدل اول در بین ویژگی‌های فردی متغیر میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی معنادار نبود. اما در مدل دوم با ورود متغیر فردگرایی متغیر میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی معنادار می‌شود. این نتیجه حاکی از آن است که، بین دو متغیر فردگرایی و میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی اثر تعاملی وجود دارد. یعنی فردگرایی در قالب میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی یک اثر غیرمستقیم بر ارزش ازدواج دارد.

قرار دارند، تحصیلات و درآمد خوبی دارند، از شبکه‌های اجتماعی زیاد استفاده می‌کنند، ارزش پایین‌تری برای ازدواج قائل هستند.

#### ۷- بحث و نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر کاهش اهمیت ازدواج و تاخیر در آن، در میان دختران جوان، افزایش یافته است. یکی از دلایل این پدیده تغییر ارزش ازدواج در میان ایشان است. با توجه به پیامدهای فردی، خانوادگی و اجتماعی این امر، ریشه‌یابی آن، جهت مدیریت موثرتر آن ضروری به نظر می‌رسد. در این پژوهش محققان تلاش کردند که عوامل موثر بر ارزش ازدواج را مورد بررسی قرار دهند.

در این مطالعه، عوامل موثر بر ارزش ازدواج دختران ۲۰-۳۴ ساله شهر تهران بررسی شد. سوال مطالعه حاضر این بود که آیا فردگرایی و تمایل به برابری جنسیتی می‌تواند بر ارزش ازدواج اثرگذار باشد؟ به بیان دیگر سهم این متغیرها در ارزش ازدواج دختران مجرد به چه میزان است؟ هم‌چنین ویژگی‌های فردی دختران (سن، تحصیلات، میزان درآمد و میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی) تا چه اندازه در ارزش ازدواج دختران موثر است؟ یکی از یافته‌های مهم پژوهش مربوط به خود ارزش ازدواج در میان دختران ۲۰-۳۴ ساله است. بر اساس یافته‌ها، ۶۰ درصد دختران ۲۰-۳۴ ساله که در سن ازدواج قرار دارند، ارزش بالا و نسبتاً بالا و در مقابل، ۴۰ درصد آن‌ها ارزش پایین و نسبتاً پایینی برای ازدواج قائلند. این یافته می‌تواند تامل برانگیز باشد؛ چرا که با توجه به این که تمایل به انس با جنس مکمل برای هر جوانی طبیعی است، ارزش کم ازدواج می‌تواند به معنای تمایل به سایر الگوهای ارتباط با جنس مکمل باشد و این، مساله قابل تاملی است. یافته‌های بعدی مقاله ما را در تحلیل و ریشه‌یابی این مساله یاری می‌کند؛ چرا که در این تحقیق، رابطه ۶ متغیر مهم با متغیر ارزش ازدواج مورد بررسی قرار گرفته است.

در مورد متغیر برابری جنسیتی، اولاً، مشخص شد که ۶۰ درصد از دختران برابری جنسیتی بالا و نسبتاً بالا دارند. ثانیاً، نتیجه تحلیل دو متغیره و چند متغیره درخصوص تاثیر برابری

جنسیتی بر ارزش ازدواج زنان نشان از معناداری این تاثیر داشت. به گونه‌ای که دخترانی که برابری جنسیتی بالاتری داشتند، ارزش پایین تری برای ازدواج قائل بودند. بنابراین، بر اساس این تحلیل می‌توان گفت برابری جنسیتی به عنوان یک متغیر و مولفه می‌تواند بر ارزش ازدواج دختران اثرگذار باشد. در واقع، در سال‌های اخیر با ورود جریان مدرنیته به ایران و افزایش گرایش‌های فمینیستی در میان دختران ایرانی، تمایل به برابری جنسیتی، ذهن بسیاری از دختران را درگیر کرده است (کلانتری و فقیه ایمانی، ۱۳۹۲: ۱۲۵)، این بدان معناست که تعداد زیادی از دختران امروز، مایلند در همه عرصه‌ها از جمله عرصه خانواده، جایگاه و فرصت‌های برابر با مردان داشته باشند: در امر مدیریت و تصمیم‌گیری امور خانواده و در سلسله مراتب قدرت در خانواده. از سوی دیگر، از آنجا که جامعه ایران عمدتاً یک جامعه سنتی است، یعنی ریاست اصلی خانواده در اختیار شوهر یا پدر است و در ساختار سلسله مراتبی قدرت، شوهر یا پدر خانواده در راس هرم قدرت قرار می‌گیرد (مردانی و موحد، ۱۳۹۵: ۴۳)، بسیاری از دختران در جامعه ما احساس نابرابری دارند (پورطاهری و پوروردی نجات، ۱۳۸۸: ۱۱۵) و ممکن است بیم آن را داشته باشند که به ویژه بعد از ازدواج در وضعیتی فرودست قرار بگیرند. لذا به نظر می‌رسد که با افزایش تمایل به برابری جنسیتی، یا ازدواج‌گریزی زیاد می‌شود و یا این که دختران سعی می‌کنند ابتدا موقعیت خود را به لحاظ تحصیلی و اقتصادی تثبیت کنند، بعد وارد فضای خانواده شوند. زیرا زنانی که از وضعیت تحصیلی و مالی بهتری برخوردارند از جایگاه بالاتر و بهتری در سلسله مراتب قدرت در خانواده برخوردار خواهند بود (امینی، حسینیان و امینی، ۱۳۹۲: ۲؛ مردانی و موحد، ۱۳۹۵: ۴۳). بدین ترتیب، تمایل به برابری جنسیتی می‌تواند منجر به ازدواج‌گریزی یا تاخیر در ازدواج شود.

در مورد فردگرایی نیز مشخص شد که نزدیک ۴۹ درصد از دختران فردگرایی بالا و نسبتاً بالا داشته‌اند. به علاوه، نتیجه تحلیل دو متغیره و چند متغیره در خصوص تاثیر فردگرایی بر ارزش ازدواج زنان نیز نشان از معناداری این تاثیر داشت. به گونه‌ای که دخترانی که فردگرایی بالاتری داشتند، ارزش پایین تری برای ازدواج قائل بودند. بنابراین، بر

اساس این تحلیل می توان گفت فردگرایی به عنوان یک متغیر و مولفه می تواند بر ارزش ازدواج دختران اثرگذار باشد. در دهه های اخیر فردگرایی در میان جوانان ایرانی رو به افزایش بوده است (بالاخانی و ملکی، ۱۳۹۶؛ مسیحی و همکاران، ۱۳۹۹). این فردگرایی با تمایل بیش تر به استقلال و آزادی عمل، حرمت امور شخصی و سلايق فردی، خودشکوفایی و نظایر این ها (مسیحی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۴۳) همراه است. به نظر می رسد که عدم تمایل برخی دختران به ازدواج می تواند به معنی تمایل آن ها به حفظ اختیار و خودمختاری شان باشد؛ اگر ازدواج، از سوی دختران امری محدودکننده آزادی عمل و استقلال فردی و رشد شخصی آن ها تلقی شود، ارزش و مطلوبیت ازدواج در نظر ایشان کاسته خواهد شد. در صادقی و همکاران (۱۳۸۶) نیز نیمی از پاسخگویان مناسب ترین موقعیت ازدواج دختران را بعد از اتمام تحصیلات دانشگاهی و کسب استقلال اقتصادی دانسته اند که می تواند نشان دهنده ترجیح رشد شخصی و کسب استقلال بر ازدواج در میان نسل جدید باشد.

از سوی دیگر، مطابق نتایج این مطالعه، سن دختران متغیر مهمی در ارزش ازدواج آنان شناخته شد. بدین معنا که، متغیر ارزش ازدواج با سن دختران رابطه مستقیمی داشت. برخی محققان نشان داده اند که هر چه سن افراد افزایش یابد، آن ها در عرصه ارزش های خانواده جمع گراتر می شوند (بالاخانی و ملکی، ۱۳۹۶: ۷؛ مسیحی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۴۳). این از آن روست که نسل جوان کم تر از نسل بزرگسال به ارزش های سنتی تأکید دارند (رازقی نصر آباد و فلاح نژاد، ۱۳۹۶: ۶۳). یافته های عسکری ندوشن و همکاران (۱۳۸۸) نیز نشان می دهد دختران مورد مطالعه از ایده ها و نگرش های مدرن تری نسبت به مادران خود برخوردارند. در واقع، می توان گفت، نسل جدیدتر و جوان تر به دلیل افزایش توانمندی های گوناگون، تحصیلات عالی، اشتغال، دسترسی به سطح رفاه بیش تر، و قرارگیری بیش تر در معرض جهانی شدن و مدرنیته، کم تر به شیوه سنتی راجع به ازدواج می اندیشند، و این امر ممکن است منجر به کاهش ارزش ازدواج در میان آن ها شود.

هم چنین، مطابق نتایج، با افزایش تحصیلات دختران، ارزش ازدواج آنان کاهش می یافت. این عامل از طرق مختلف می تواند بر سن ازدواج تاثیر بگذارد: تحصیلات، باورها و

ارزش‌های جدیدی را برای دختران ایجاد می‌کند که در مقابل سنت‌ها مقاومت نموده و این تمایل در آنها ایجاد می‌شود که یا به انتخاب خود، ازدواج کنند و یا ازدواج را برای کسب یک موقعیت بهتر به تاخیر اندازند (کبیر و همکاران ۲۰۰۱: ۳۷۲). از سوی دیگر، با بالا رفتن سطح تحصیل، زنان می‌توانند فرصت‌های شغلی بهتری کسب کنند و از این طریق وابستگی اقتصادی کم‌تری به شوهران خود داشته باشند (بکر ۱۹۷۴: ۱۱). با در نظر گرفتن تحصیلات به عنوان یک سرمایه انسانی، ازدواج زودهنگام، هزینه فرصتی را برای زنان تحمیل می‌نماید که آن‌ها را از به دست آوردن سرمایه آتی بیش‌تر محروم می‌نماید (اوپنهايمر ۱۹۸۸: ۵۶۳). ازدواج هزینه‌های ادامه تحصیل را افزایش و منافع مورد انتظار ادامه تحصیل را کاهش می‌دهد. بنابراین ازدواج کردن احتمال ادامه تحصیل را کاهش خواهد داد (برین و لی‌لارد ۱۹۹۴: ۱۶۷). می‌توان این اثرگذاری را از طریق افزایش آگاهی، توانمندی، حضور اجتماعی پررنگ‌تر، و نیز، افزایش فردگرایی و تمایل به برابری جنسیتی نیز توضیح داد. سایر محققان نیز نشان داده‌اند که با افزایش سطح تحصیلات زنان، میزان فردگرایی آنان در عرصه ارزش‌های خانواده افزایش می‌یابد (بالاخانی و ملکی، ۱۳۹۶: ۷؛ مسیحی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۴۳). نتیجه آن‌که با عنایت به این‌که در سال‌های اخیر تمایل به ادامه تحصیل در میان دختران جامعه ما زیاد شده است و البته تحصیلات عالی‌ه زنان به عنوان نیمی از اعضای جامعه، می‌تواند علاوه بر رشد علمی و توانمندسازی ایشان، سرمایه انسانی جامعه را نیز ارتقا بخشد، اما در عین حال، باید مراقب بود که این فرصت رشد فردی، به دلیل افراط و تفریط، تبدیل به تهدیدی برای ازدواج و تشکیل خانواده نشود. دختران ما باید توجیه و اقناع شوند که برای یک زندگی موفق نیاز به رشد همه جانبه و متعادل در هر سه حیطه فردی، خانوادگی و اجتماعی دارند و رشد در هیچ زمینه‌ای نباید به قیمت باز ماندن از رشد در سایر ابعاد تمام شود.

هم‌چنین، رابطه میان میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی هم‌چون فیس‌بوک، تلگرام و ... با ارزش ازدواج، منفی به دست آمد. سفیری و همکاران (۱۳۹۷)، پیش‌تر نشان داده بودند که با افزایش مصرف کالاهای فرهنگی، تغییر ارزش‌های ازدواج (نظیر تجردگرایی، آزادی

انتخاب، تغییر روابط مبتنی بر عشق، تغییر نوع انتخاب همسر، تغییر مفهوم ازدواج و نحوه روابط ( تشدید می شود. در یک جامعه در حال گذار، معمولاً جوانان ارزش های سنتی را تغییر می دهند. آن ها با تأثیرپذیری از رسانه ها ارزش های پیشین خود را کنار گذاشته و ارزش های جدید را جایگزین آن ها می کنند (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۵۳). تحقیقات پیشین نیز نشان داده اند که افرادی که بیش تر در معرض تجربه جهانی شدن ( استفاده از اینترنت و ماهواره) هستند، جهت گیری مدرن تری به ازدواج دارند (رازقی نصرآباد و فلاح نژاد، ۱۳۹۶: ۶۳) و ارزش ازدواج در بین آن ها کاهش می یابد (رشوند، ۱۳۹۷: ۱۱۳؛ سرایی و اوچاقلو، ۱۳۹۲: ۱۹). باید توجه داشت که میان میزان استفاده از رسانه با میزان فردگرایی نیز رابطه معنادار و مسقیم مشاهده می شود (بابایی فرد و بارانی، ۱۳۹۸: ۱۱۵). یعنی ممکن است این یافته را با افزایش فردگرایی در اثر استفاده زیاد از شبکه های اجتماعی و جهانی شدن توضیح داد.

در نهایت، رابطه غیرمستقیم و معکوس بین میزان درآمد و ارزش ازدواج دختران وجود داشت. نکته مهم این که در میان تمام متغیرها، درآمد، قوی ترین پیش بینی کننده میزان ارزش ازدواج بود. مطالعات مختلف اثر عوامل اقتصادی را بر تحولات ازدواج موثر دانسته اند. بلو و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) معتقدند که بهتر شدن فرصت های کاری در بازار کار برای زنان، منفعت حاصل از ازدواج را برای زنان کاهش داده و منجر به کاهش ازدواج خواهد شد. اوپنهاایمر نیز عنوان می کند که تغییر در نقش های اقتصادی زنان بر عملکرد بازار ازدواج تاثیرگذار است و به لحاظ ادبیات اقتصادی و اجتماعی - جمعیتی، گسترش سهم مشارکتی بیش تر زنان در بازار کار، استقلال اقتصادی بیش تر زنان از ازدواج را به همراه دارد و این امر، به نوبه خود به تاخیر بیش تر در ازدواج، افزایش ارتباطات غیرزنشویی و نیز افزایش ناپایداری زنشویی منجر می شود (اوپنهاایمر، ۱۹۹۷: ۵۶۳). در واقع، اشتغال زنان و درآمد بالای ایشان، استقلال بیش تر آنان را در پی دارد و لذا ممکن است بخشی از انگیزه و ارزش ازدواج که

---

1. Blau

پیش تر مربوط به تامین نیازهای مالی ایشان بود، کاهش یافته باشد و منجر به کاهش ارزش ازدواج شده باشد.

با توجه به این که تاثیر فردگرایی و برابری جنسیتی بر کاهش ارزش ازدواج نزد دختران جوان، در این پژوهش معنادار به دست آمد، این یافته را می توان در طراحی برنامه های فرهنگی در حوزه ارزش های خانواده و ازدواج مد نظر قرار داد؛ به گونه ای که ضمن احترام به خواسته های به حق زنان و دختران، بتوان ایشان را به سوی ازدواج درست و به موقع سوق داد.

#### کتابنامه

۱. احمدی، وکیل، وحید قاسمی و شهلا کاظمی پور (۱۳۹۱). "بررسی نقش گذار جمعیتی در تغییرات جامعه شناختی خانواده". *مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان*. سال دهم، شماره ۱. صص: ۸۱-۱۰۲.
۲. امینی، محمد، سیمین حسینیان و یوسف امینی (۱۳۹۲). بررسی ورود زنان به عرصه اشتغال و تاثیر آن بر میزان قدرت آنها در تصمیم گیری های درون خانواده. *زن و جامعه*. ۴(۱)، صص: ۱-۲۸.
۳. اینگلهارت، رونالد و کریستین ولزل (۱۳۸۹). *نوسازی، تغییرات فرهنگی و دموکراسی*. ترجمه ی یعقوب احمدی، تهران: نشر کویر.
۴. آزاده، اعظم و عاصفه توکلی (۱۳۸۶). فردگرایی، جمع گرایی و دینداری. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*. پاییز ۱۳۸۶، دوره ۳، شماره ۹، صص: ۱۰۱-۱۲۵.
۵. بابایی فرد، اسداله؛ بارانی، مرتضی (۱۳۹۸). بررسی عوامل موثر بر فردگرایی در میان دانشجویان دانشگاه های کاشان و علوم پزشکی کاشان. *توسعه اجتماعی*. دوره ۱۳، شماره ۱۴، صص: ۱۱۵-۱۵۲.
۶. بالاخانی، قادر؛ ملکی، امیر (۱۳۹۶). بررسی ظهور فردگرایی در عرصه خانواده (مطالعه موردی شهروندان تهرانی). *فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده*. دوره ۲۰، شماره ۷۷، صص: ۷-۳۴.
۷. پورطاهری، مهدی و مینو پوروردی نجات (۱۳۸۸). سنجش نابرابری جنسیتی در بین زنان روستایی: مطالعه موردی استان گیلان. *دانشنامه علوم اجتماعی*. دوره ۱، شماره ۲، زمستان ۱۳۸۸، صص: ۱۱۵-۱۵۵.
۸. ترابی، فاطمه و سجاد مسگرزاده (۱۳۹۵). جامعه مخاطره آمیز و میانگین سن زنان و مردان در نخستین ازدواج در ایران، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۴، شماره ۴، صص: ۴۹۳-۵۱۲.
۹. ترابی، فاطمه و عباس عسکری ندوشن (۱۳۹۱). "پویایی ساختار سنی جمعیت و تغییرات ازدواج در ایران"، *نامه انجمن جمعیت شناسی ایران*، سال هفتم، شماره ۱۳، صص: ۲۳-۵.

۱۰. چلبی، مسعود (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*. تهران: انتشارات کیهان.
۱۱. حبیب‌پور، کرم و غلامرضا غفاری (۱۳۹۰). "علل افزایش سن ازدواج زنان". *زن در توسعه و سیاست*. دوره ۹، شماره ۱، صص: ۳۴-۷.
۱۲. حسینی، حاتم و مریم گراوند (۱۳۹۲)، *سنجش عوامل موثر بر شکاف رفتار و نگرش زنان به سن مناسب ازدواج در شهر کوهدشت، زن در توسعه و سیاست*، دوره یازدهم، شماره ۱، صص: ۱۰۱-۱۱۸.
۱۳. خلیج‌آبادی فراهانی، فریده و امیرهوشنگ مهریار (۱۳۸۹). "بررسی نقش خانواده در ارتباط با جنس مخالف قبل از ازدواج در زنان دانشجوی در تهران". *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، سال ششم، شماره ۲۴، صص: ۴۶۸-۴۴۹.
۱۴. رازقی نصرآباد، حجه بی‌بی و لیلا فلاح‌نژاد (۱۳۹۶). "تفاوت‌های نسلی ارزش ازدواج (مورد مطالعه‌ی شهر هشتگرد)". *فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده*. دوره نوزدهم، شماره ۷۵، بهار ۱۳۹۶، صص: ۸۴-۶۳.
۱۵. رشوند، مرجان (۱۳۹۷). "تمایزکننده‌های وضعیت ازدواج در میان زنان شهر تهران". پایان‌نامه‌ی دکتری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
۱۶. زارع شاه‌آبادی، اکبر و زکیه سلیمانی (۱۳۹۱). *بررسی عوامل مرتبط با گرایش دانشجویان به روابط پیش از ازدواج در دانشگاه یزد*. *فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال دوازدهم، شماره ۴۵، صص: ۳۳۹-۳۶۴.
۱۷. ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی ارتباطات*. تهران: نشر اطلاعات.
۱۸. سازمان ثبت احوال کشور، (۱۳۹۴). *سالنامه‌های آماری سازمان ثبت احوال کشور*، تهران. دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت.
۱۹. سرایی، حسن و سجاد اوجاقلو (۱۳۹۲). "مطالعه نسلی تغییر ارزش ازدواج در ایران مطالعه موردی زنان شهر زنجان". *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*. سال پنجم، شماره چهارم، صص: ۴۱-۱۹.
۲۰. سفیری، خدیجه، کمال کوهی و رباب عبدی (۱۳۹۷). تأثیر مصرف کالاهای فرهنگی بر تغییر ارزش ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه تبریز. *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*. سال ۸، شماره ۱، بهار ۱۳۹۷، صص: ۳۸-۴.
۲۱. صادقی، رسول و مریم رضایی (۱۳۹۸). بررسی تاثیر جهت‌گیری‌های ارزشی فرهنگی بر نوع نگرش به ازدواج جوانان در شهر تهران. *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*. پاییز ۱۳۹۸، دوره ۱۸، شماره ۴۵.
۲۲. صادقی، رسول، محمدعلی قدسی و جواد افشارکهن (۱۳۸۶). "واکاوی مسئله ازدواج و اعتبار سنجی یک راه‌حل". *پژوهش زنان*. دوره ۵، شماره ۱، صص: ۸۳-۱۰۸.



۲۳. ضرابی، وحید و سید فرخ مصطفوی (۱۳۹۰). "بررسی عوامل موثر بر سن ازدواج زنان در ایران؛ یک رویکرد اقتصادی". فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی. سال یازدهم، شماره چهارم، صص: ۶۴-۳۳.
۲۴. عباسی شوازی، محمدجلال و مرجان رشوند (۱۳۹۶)، سهم ارزش ازدواج بر وضعیت ازدواج زنان ۲۰-۳۴ ساله شهر تهران، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال دوازدهم، شماره ۲۴، صص: ۱۶۹-۱۳۵.
۲۵. عسکری ندوشن، عباس، محمدجلال عباسی شوازی و رسول صادقی (۱۳۸۸). "مادران، دختران و ازدواج (تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها و نگرش‌های ازدواج در شهر یزد)". فصلنامه مطالعات راهبردی زنان. سال یازدهم، شماره ۴۴. صص: ۳۳-۷.
۲۶. کاوه فیروز، زینب؛ صارم، اعظم (۱۳۹۶). بررسی تاثیر مولفه های سبک زندگی بر نگرش دختران مجرد نسبت به ازدواج (مطالعه شاغلان دانشگاه علوم پزشکی شیراز). مسائل اجتماعی ایران، سال ۸، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶، صص: ۹۶-۷۳.
۲۷. کلانتری، عبدالحسین و فاطمه فقیه ایمانی (۱۳۹۲). فراتحلیل پژوهش‌های انجام شده درباره "نابرابری جنسیتی". زن در فرهنگ و هنر، دوره ۵، شماره ۱، بهار ۱۳۹۲، صص: ۱۴۲-۱۲۵.
۲۸. گروسی، سعید و فاطمه یاری نسب (۱۳۹۴). ابعاد ارزش‌های ازدواج و تحولات آن در خانواده‌های امروزی (با تاکید بر پیمایش‌های یک دهه گذشته)، اولین کنگره علمی پژوهشی سراسری توسعه و ترویج علوم تربیتی و روانشناسی، جامعه‌شناسی و علوم فرهنگی اجتماعی ایران، تهران
۲۹. لیتل، دانیل (۱۳۷۳). گونه‌های تبیین اجتماعی (مقدمه‌ای بر فلسفه علوم اجتماعی). ترجمه‌ی مجید محمدی، تهران: ناشر مترجم.
۳۰. محسنی، منوچهر (۱۳۷۹). بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران، دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور.
۳۱. مردانی، مرضیه و مجید موحد (۱۳۹۵). بررسی عوامل موثر بر جایگاه زنان در ساختار قدرت نهاد خانواده (نمونه موردی: زنان متأهل شهر شیراز). جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۳(۸)، صص: ۷۱-۴۳.
۳۲. مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، نتایج تفصیلی سرشماری کشور، [منبع الکترونیکی] <http://amar.sci.org.ir>
۳۳. مسیحی، مهدی، علیرضا کلدی و محمدصادق مهدوی (۱۳۹۹). تحلیل جامعه‌شناختی فردگرایی در بین زنان و مردان و عوامل مرتبط با آن (مطالعه موردی: افراد ۳۰ سال به بالای شهر شیراز). زن و جامعه. سال ۱۱، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۹، صص: ۲۵۸-۲۴۳.

۳۴. موحّد، مجید، علی اصغر مقدس و محمد تقی عباسی شوازی (۱۳۸۶). جوانان، خانواده و جامعه‌پذیری، نقش خانواده در نگرش دانشجویان به معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج. فصلنامه مطالعات جوانان. شماره ۸ و ۹، صص: ۳۳-۵۴.

۳۵. میرزایی، محمد و فرزاد قربانی (۱۳۹۴). "جهت‌گیری ارزشی مادی گرایانه - فرامادی گرایانه و زمان بندی ازدواج (مطالعه موردی: مردان و زنان در شرف ازدواج استان کهگیلویه و بویراحمد)". نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال دهم، شماره ۲۰، صص: ۴۹-۷۰.

36. Augé, Marc (1995) *Non-Places: Introduction to an Anthropology of Supermodernity*, London
37. Barbara S. Mensch, Susheela Singh and John B. Casterline (2005), "Trends in the Timing of First Marriage among Men and Women in the Developing World", *The Changing Transitions to Adulthood in Developing Countries: Selected Studies*, Washington, D.C.: The National Academies Press
38. Becker, Gary S. (1974). *A Theory of Marriage, Part II*; the *Journal of Political Economy*, 82(2): S11-S26
39. Blau, Francine D.; Lawrence M. Kahn and Jane Waldfogel (2000), *Understanding Young Women's Marriage Decisions: The Role of Labor and Marriage Market Conditions*; *Industrial and Labor Relations Review*, 53(4):1-40.
40. Brien, Michael J. and Lee A. Lillard (1994), *Education, Marriage, and First Conception in Malaysia*; *The Journal of Human Resources*, Vol. 29, No.4. pp. 1167-1204.
41. Dixon, R. (1971), "Explaining cross-cultural variations in age at marriage and proportions never marrying", *Population Studies*, 25: 215-233
42. Good, W. (1963), "World Revolution and Family Patterns", London: Free Press of Glencoe.
43. Jones, G. (1981). "Malay marriage and change in Peninsular Malaysia: Three decades of change" *Population and Development Review* 7(2): 255-278.
44. Jones, G. W. (2010), "Changing Marriage Patterns in Asia", Working Paper Series No.131, Asian Research Institute and Department of Sociology, National University of Singapore.
45. Kabir, Ahmad; Gulshana Jahan and Rukhshana Jahan (2001). *Female Age at Marriage as a Determinant of Fertility*; *Journal of Medical Sciences*, 1(6): 372-376.
46. Lesthaeghe, R, Neidert, L and J. Surkyn (2008). *Houshold Formation in the Second Demographic Transition in Europe and US: Insights from Middle Range Model*. Online available at: <http://sdt.psc.isr.umich.edu.pubs.online>.

47. Maitra, Pushkar (2004). "Effect of Socioeconomic Characteristics on Age at Marriage and Total Fertility in Nepal"; *Journal of Health, Population and Nutrition*, Vol. 22, No. 1, pp. 84-96.
48. McDonald, Peter (1994), "Gender Equity, Social Institutions and the Future of Fertility", *Journal of the Australian Population Association*, May 2000, 17 (1): 1-16.
49. Mensch, Barbara S.; Susheela Singh and John B. Casterline (2005), Trends in the Timing of First Marriage among Men and Women in the Developing World; Population Council, Working Paper, No. 202.
50. Oppenheimer, Valerie Kincade. (1988). A Theory of Marriage Timing. *American Journal of Sociology*, 94(3): 563-591.
51. Ortega J. A. (2012), "Characterization of World Union Patterns at the National and Regional level", IUSSP Seminar on First Union Pattern around the World, 20-22 June 2012, Spain.
52. Schoen, Robert & Yen-Hsin Alice Cheng (2006). "Partner Choice and the Differential Retreat From Marriage", *Journal of Marriage and Family* 68, 1 (February, 1-10).
53. Schowitz, S. H. (2006). Basic Human Value: an Overview. [www.fmag.unict.it](http://www.fmag.unict.it).
54. Strong, Bryan (2008). *The Marriage and Family Experience*. Thomson Higher Education, 10 Davids Drive, Belmont, C.A. 94002- 3098.
55. Sundaram, A. (2005). "Modernization, life course, and marriage timing in Indonesia", Ph.D. Dissertation in sociology, University of Maryland: College Park.
56. Thornton, A. (2001). The developmental paradigm, reading history sideways, and family change. *Demography*, 38(4): 449-465.
57. Torabi, F. and Baschieri, A. (2010), Ethnic Differences in Transition to First Marriage in Iran: The Role of Marriage Market, Women's Socio- economic Status, and Process of Development. *Demographic Research*, 22(2):29-62.
58. Torabi, F., Baschieri, A., Clarke, L. and Abbasi-Shavazi, M.J. (2013), Marriage Postponement in Iran: Accounting for Socio-economic and Cultural Change in Time and Space. *Population, Space and Place*, 19(3): 258-274.
59. Zahngir, M.S., Karim, M.A, Zaman, M.R and Hussain, M.I (2008), "Determinants of Age at First Marriage of Rural Woman in Bangladesh: A Cohort Analysis" *Trends in Applied Science Research*, 3: 335- 343.

## The relationship between individualism and gender equality with the value of marriage (Case study: Unmarried girls aged 20 to 34 in Tehran)

Marjan Rashvand Sorkhkouleh<sup>1</sup>

Fatemeh Vojdani<sup>2</sup>

### Abstract

Changes in people's values and attitudes can lead to behavioral changes. Similarly, a change in the value of a marriage can also delay marriage and ultimately avoid marriage. The purpose of this article is to investigate the contribution of individualism and gender equality on the value of marriage of unmarried girls aged 20-34 in Tehran. The data of the study are the result of a survey that was collected in the fall of 1397 using a questionnaire made from 600 unmarried girls. The findings of the study indicate a significant effect of individualism and gender equality on the value of girls' marriage. Direction of this relationship was inverse, so that with increasing individualism and gender equality, we see that girls value marriage less. In addition, the relationship between respondents' personal characteristics and the value of marriage was examined. The relationship between girls' age and the value of marriage was direct. The variables of education level, income level and use of social networks were inversely related to marriage value. In a way, girls who had higher education and higher income and used social networks such as Telegram, Facebook, etc., valued marriage less and vice versa. This finding emphasizes the need for proper cultural management of the new generation in this field; In such a way that while respecting the demands of women and girls, they can be led to a correct and timely marriage.

**Keywords:** Marital value, unmarried girls, individualism, gender equality, Tehran

---

1. Assistant professor Department of Demography, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University. Corresponding Author.

E-mail: m.rashvand@atu.ac.ir

2. Assistant professor of Department of Islamic Studies, faculty of Religious Studies, Shahid Beheshti University.

E-mail: f\_vojdani@sbu.ac.ir